

پارلمان اروپا مسموم کردن دختران و زنان ایران با مواد شیمیایی سمی را به شدت محکوم کرد



این قطعنامه می‌گوید هدف از این اقدام جلوگیری از آموزش و ساکت کردن زنان و دختران بوده است.

پارلمان اتحادیه اروپا روز پنجشنبه ۱۶ مارس (۲۵ اسفند) قطعنامه‌ای را در محکومیت شدید مسمومیت دختران و زنان ایران با مواد شیمیایی سمی به تصویب رساند. این قطعنامه با ۵۱۶ رأی موافق، ۵ رأی مخالف و ۱۴ رأی ممتنع به تصویب رسید.

متن قطعنامه در پایگاه اینترنتی پارلمان اروپا منتشر شد که به شرح زیر است:

«با توجه به موارد متعدد از نوامبر ۲۰۲۲، که در آن هزاران دختر و زن در سراسر ایران با مواد شیمیایی سمی با هدف جلوگیری از حضور آنها در آموزش مورد حمله قرار گرفته‌اند، نمایندگان پارلمان اروپا این تلاش بی‌رحمانه برای ساکت کردن زنان و دختران را به شدت محکوم می‌کنند.

نمایندگان پارلمان اروپا مقامات [ایران] را فرامی‌خوانند، دسترسی بدون تبعیض دختران به آموزش را تضمین کنند، و از رژیم ایران می‌خواهند هر قانون تبعیض‌آمیز علیه دختران و زنان را لغو

کند.

نمایندگان پارلمان اروپا از شورای حقوق بشر سازمان ملل می‌خواهند که مأموریت حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی را موظف به انجام تحقیقات مستقل در مورد مسمومیت‌های دختران دانش‌آموز سازد و از مسئولین ایران در این باره پاسخگویی بخواهد.

این قطعنامه، تعلل چند ماهه رژیم [ایران] در ارائه گزارش‌های قابل باور درباره حملات سمی سیستماتیک علیه دانش‌آموزان دختر و لاپوشانی عمدی این حملات را محکوم می‌کند و از مقامات ایرانی می‌خواهد که به مأموریت بین‌المللی و گزارشگر ویژه سازمان ملل اجازه دسترسی کامل به اطلاعات در مورد وضعیت حقوق بشر در کشور را بدهند.

پارلمان اروپا همچنین یک بار دیگر بر درخواست خود از شورای اروپا تأکید می‌ورزد تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته شود و فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا، همچنین در چارچوب مکانیسم‌های تحریم جهانی اتحادیه اروپا در مورد حقوق بشر، برای همه افرادی که مسئول نقض حقوق بشر در ایران هستند، از جمله علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، ابراهیم رئیسی رئیس جمهوری اسلامی و محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور گسترش یابد.»

برگرفته از سایت دویچه وله به زبان فارسی - 25 اسفند 1401

**بررسی آرایش نیروهای سیاسی در
روند جاری و بحران روانمندی
مهران زنگنه**



چند حرکت سیاسی در داخل و خارج صورت گرفته‌اند که هر یک محتاج بررسی هستند. این نیاز ناشی از تغییراتی است که در پی هر حرکت در سطح نیروهای سازمان‌یافته سیاسی یا دقیقتر انقلاب و ضد انقلاب صورت گرفته‌اند. این نیروها به اضافی نیروی حاکم بر جمهوری اسلامی در واقع جریان‌ات سیاسی اصلی در روند انقلاب آتی را تشکیل می‌دهند. در اینجا، در بخش اول ابتدا نتایج بررسی بیانیه‌ها موسوی/خاتمی منعکس شده است که یکی از این حرکات را نمایندگی می‌کنند. در بخش دوم عمدتاً به استراتژی «تعویض رژیم» در ایران و اثرات آن بر آرایش قوا پرداخته می‌شود، اگر چه آرایش قوا هنوز شکل نهائی به خود نگرفته است. در خارج هنوز تلاش می‌شود، در ائتلاف‌های شکننده کفش پای راست را به پای چپ بکنند و برعکس. ائتلاف مد روز است، موتلفین می‌آیند و می‌روند، ازدواج‌ها و طلاق‌های یک «شبه»، بدون اینکه اثری به جای بگذارند، رایجند. این درحالی است که در داخل بحران روامندی حاکم است.

بحران روامندی legitimacy crisis شرط لازم اگرچه نامکفی انقلاب است. یکی از دلائل اوج این بحران تحمیل «فضای باز» به عنوان یک واقعیت غیر قابل اجتناب بویژه از طریق رسانه‌های بین‌المللی غربی و شبکه‌های اجتماعی و عدم کارائی دستگاه‌های ایدئولوژیک (به معنای آلتوسری-گرامشیانه) در تولید و بازتولید پایه‌های روامندی رژیم است. رژیم برای جلوگیری از سقوط، صرفنظر از سرکوب، باید بحران روامندی را با توجه به این واقعیت و علیرغم «فضای باز» حل و یا تعدیل بکند. شکست یا پیروزی انقلاب آتی نیز منوط به ادامه‌ی بحران روامندی و تعمیق آن در ایران است که در پرتو جنبش «زن، زندگی، آزادی» در چهل سال اخیر و امروز در اثر حمله‌ی شیمیایی به مدارس دخترانه صرفنظر از کیستی عامل آن، عمقی بی سابقه یافته است. جنبش اعتراضی و بحران روامندی منجر به اتحاد و اختلاف بین جریان‌ات مختلف، انشعاب و تجزیه‌ی مولکولی در آنان شده است! اهمیت آرایش قوا و تحولاتی که در روند جاری می‌بیند در این است که در «لحظه‌ی انقلاب» یا در یک «تحول سیاسی» نوع انقلاب و تحول سیاسی منوط به آرایش بین این نیروها و کنش و واکنش بین آنان است!

حکومت اسلامی بدون فقیه؟ و تجزیه‌ی جمهوری‌خواهان

اسلام و بویژه اسلام سیاسی به عنوان پایه‌ی اصلی روامندی رژیم

دچار بحران عمیقی است و جامعه‌ی ایران پس از فتح چند سنگر در طی جنبش «زن، زندگی، آزادی» بویژه در حوزه‌ی رابطه‌ی جنسیت و تعمیق بحران رومداری، صرفنظر از خواست‌های دیگر، □□□□ در آستانه‌ی تعیین تکلیف با یک خواست تاریخی، جدائی دین از سیاست، قرار دارد. پرسش در مورد کارکرد دین و روحانیت در حوزه‌ی سیاست هسته‌ی اصلی بحران روماندی در ایران را تشکیل می‌دهد.

انتشار یک مقاله از تاجزاده (۶ بهمن ماه ۱۴۰۱)، بیانیه موسوی و بیانیه خاتمی بازتاب این بحرانند. متون مذکور از یک سو نسبت جریان‌ات سبز اسلامی و اصلاح‌طلبان در داخل/خارج را با کل حکومت و بویژه نسبت این جریان‌ات با جناح حاکم بر جمهوری اسلامی را به شدت تحت تاثیر خود قرار داده‌اند؛ از سوی دیگر با توجه به تاویل خاص بیانیه موسوی، یعنی ابراز اینکه موسوی از جمهوری اسلامی «عبور» کرده است، نسبت این جریان‌ات را با اپوزیسیون راست افراطی یا ضد انقلاب مغلوب سلطنت‌طلب و جمهوری‌خواه راست تغییر داده است. اتحاد مجموعه‌ی سبز اسلامی و جمهوری‌خواهان راست به طور ضمنی در خارج خود را به عنوان آلترناتیو رژیم از یک سو و از سوی دیگر رقیب هواداران رژیم نئوکلونیال پهلوی ارائه کرده است، موفقیت این ائتلاف منوط به جمهوری‌خواهان و نوسان‌های این جریان است. به هر حال، اکنون و در این لحظه صرف‌نظر از جریان‌ات سازمان‌یافته سیاسی فرودستان این جریان مهمترین رقیب جناح حاکم و ضد انقلاب مغلوب سلطنت‌طلب است! باید صریحا و با قطعیت گفت: **موسوی و سبزها در ایران هیچ جایگاه و نفوذی ندارند و هیچ‌گاه نخواهند داشت.** این چشم‌انداز موجود نیست، اما در پرتو منشور فرودستان ممکن است چشم‌انداز باز شود.

با رجوع به سه مطلب (تاجزاده، خاتمی و موسوی) و جزئیات آنان می‌توان نشان داد که خواست این سه فرد که نمایندگان عمده‌ی طیف اسلامی «ناراضی» در ایران را تشکیل می‌دهند، عبارت است از خواست قدرت این جریان یا تغییر روابط قدرت در سطح جمهوری اسلامی به قسمی که ولی فقیه یا امام در آن وجود نداشته است، یا اینکه ولی فقیه (امام) در روابط قدرت دست بالا را نداشته باشد، به عبارت دیگر رابطه‌ی دین و دولت به شکل دیگری سازماندهی شود. هیچ یک از این سه از جدائی و دین و دولت حرف نمی‌زنند و خواهان جدائی این دو از یکدیگر نیستند. حتی در چارچوب جریان سبز اسلامی بر اساس امیرارجمندی مشاور موسوی «پیش‌نویس قانون اساسی فعلی» پیش از

ارائه به مجلس خبرگان و افزودن مواد مربوط به «ولی فقیه» به عنوان یک نمونهی «ایده‌ال» در مصاحبه با یورونیوز و بی‌بی‌سی ارائه می‌شود. کسانی که با این پیش‌نویس آشنا نیستند، باید حتماً توجه کنند؛ نه فقط در این پیش‌نویس جدائی دین از دولت پیش‌بینی نمی‌شود، برعکس، این پیش‌نویس مبین ادغام دین و دولت است (رجوع شود به ماده‌ی ۲، ۴، ۸ و غیره پیش‌نویس ۱۳۵۸).
«...»، «...»، «...». توازی بین
این خواست در روند سرنگونی رژیم در روند فعلی و خواست مشروطه‌چی‌ها در سال ۵۷ نیاز به توضیح ندارد. بخش بزرگی از رژیم (منجمله هواداران سه رئیس جمهور پیشین یعنی رفسنجانی، احمدی‌نژاد و روحانی) به درجات مختلف علیرغم امکان اختلاف با این یا آن نکته در برنامه‌ی ارائه شده برای «تغییر» جمهوری اسلامی یا تغییر قانون اساسی می‌توانند با این برنامه کنار بیاوند. «جبهه‌ی اصلاحات» نیز خود را در همین چارچوب تعریف و به شکلی پراگماتیستی از خاتمی حمایت کرده است. در میان اپوزیسیون خارج از کشور بخشی از نیروهای غیردینی اصلاح‌طلب (برای مثال: اتحاد جمهوری‌خواهان، حزب چپ، جبهه‌ی ملی و غیره) حمایت خود را از موسوی اعلام کرده‌اند. عناصری از «شورای مدیریت گذار» نیز از موسوی حمایت کردند که محل تلاقی جمهوری‌خواهان راست (اسلامی و غیر اسلامی) است و پتانسیل پیوستن به ضد انقلاب سلطنت‌طلب را نیز داراست. این جریان بی‌ریشه و بی‌پرنسپ که فقط از وجود چند فعال سیاسی جاه‌طلب و «سرشناس» بهره می‌برد، اگر غرب از آن حمایت نکند، که احتمال آن ضعیف است، نقشی در جنبش‌های سیاسی و اجتماعی، جز محلی ندارد و عناصر آن بسته به شرایط روز بین جریانات و جناح مغلوب جمهوری اسلامی در نوسانند. «مخالفت» با رژیم و جمهوری‌خواهی اینان به هیچ بند است. این جریان برای جلب حمایت غرب و کسب «سرمایه‌ی سیاسی حتی شروط پمپئو-ترامپ در برجам (یا به قول یکی از خود اینان قرارداد «ورسای» در مورد ایران) را نیز پذیرفته است و بعید نیست زیر فشار غرب موضعی راست‌تر اتخاذ نکنند.

در طیف جمهوری خواهان راست، آنان که بیشتر از «تموجات سیاسی دوره‌ای» در سطح ملی و بین‌المللی، بدون پافشاری مکفی بر اصل جمهوریت تبعیت کرده‌اند، عمدتاً به صورت فردی یا در گروه‌های کوچک از این جریان جدا شده و به ارتجاع ضد انقلابی سلطنت طلب پیوسته‌اند و خواهند پیوست، و بخش دیگر که خواست لائیسیته در

حکومت آتی برایش اهمیت ندارد، با اینکه از جدائی دین از دولت حرف می‌زنند، به حمایت از موسوی پرداخته است و دوباره در آتیه چون در گذشته احتمالا در صورت بازگشت اصلاح‌طلبان به مراکز اصلی قدرت در رژیم به حمایت از یک جناح در مقابل دیگر خواهد پرداخت، و زائده‌ی جریان‌ات اسلامی خواهد بود. آنان که از دو جریان اصلی در روند تجزیه بویژه تحت تاثیر فشار از پائین و جنبش «زن، زندگی، آزادی»، ناراضی‌اند، منفعل شده، در بهترین حالت به یکی از انبوه محافل حاشیه‌ای جمهوری‌خواه می‌پیوندند که محلی از اعراب ندارد و در آتیه نیز نخواهد یافت. این جریان‌ات احتمالا همان نقشی را در انقلاب آتی ایفا می‌کنند که ملیون در سال ۵۷! (در مورد نقش ملیون در ۵۷ به مقاله‌ی «شکاف بین نسلها و انقلاب آتی، مسئله هژمونی در انقلاب ۵۷ و روند فعلی» رجوع شود)

می‌توان سرگشتگی کنونی و آتی جمهوری‌خواهان لائیک را دید و پیش‌بینی کرد: از یک سو، آنان به واسطه‌ی تاکیدشان بر لائیسیت «نمی‌توانند» یک سر به سبزه‌های اسلامیت بپیوندند، و از سوی دیگر «منشور فرودستان» و خواست‌های انقلابی آنان را نمی‌پذیرند، اگر چه در نهایت به لحاظ سیاسی غربی هستند، اما فقط در حد «وابستگی هژمونیال» (گرامشی)، و نه همچون سلطنت‌طلبان که می‌خواهند یک حکومت نئوکلونیل را احیاء کنند. این جریان همچون سایر جمع‌ها و محافل روشنفکرانه‌ی راست و چپ محکوم به نوسان (و احتمالا تجزیه) است، چرا که نفوذ و ریشه‌ی اجتماعی ندارند و نمی‌تواند موضع مستحکمی در مقابل جریان‌ات اصلی انقلاب و ضد انقلاب اتخاذ کند. منجمله به این دلیل نیز هست که این جریان تاکنون نتوانسته است، بدل به نیروئی قابل تامل از یک سو در مقابل ارتجاع سلطنت‌طلب و از سوی دیگر جمهوری‌خواهان راست بشود و ضعیف‌ترین جریان جمهوری‌خواه است. می‌توان گفت باقیمانده‌ی این جریان در پی تجزیه‌ی عمدتا ملکولی در صورت فائق آمدن نسبی جمهوری اسلامی بر بحران روامندی جاری و شرکت موثر اصلاح‌طلبان در حکومت بدل به نیروئی در کنار اصلاح‌طلبان بشود. این سرنوشت جریان‌های مختلف در جمهوری‌خواهان به طور کلی است که قادر نیستند، بورژوازی را متحد و رهبری بکنند و زائده‌ی جریان‌ات اسلامی مثل سبز (موسوی) و سلطنت‌طلب (علیرغم جمهوری‌خواهی؟!) خواهند شد. (البته بررسی پدیده جمهوری‌خواه سلطنت‌طلب (یا برعکس) به عنوان امری پارادوکس را باید به تقوایی سپرد. احتمالا ایشان مقاله‌ی «پارادکس جمهوری‌خواهی که جمهوری نمی‌خواهد» را حداقل برای تکمیل مقاله‌ی پیشین‌اش «پارادکس شاهزاده‌ای که نمی‌خواهد شاه باشد» خواهد نوشت

و موجب تفریح خواهد شد.)

در داخل در استراتژی «اداره‌ی وضعیت باز» دو فاکتور اهمیت دارند: ۱) ترس از سرکوب (۲-الف) تبدیل تن‌دهی به عنوان اثر ایدئولوژیک ترس از سرکوب به رضایت فینفسه در پرتو (۲-ب) چشم‌انداز تغییر (که تولید آن در شرایط بحران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است).

در استراتژی «اداره‌ی وضعیت باز» چشم‌انداز تغییر جمهوری اسلامی از حکومت مبتنی بر ولی فقیه به جمهوری مبتنی بر رای «مردم» در واقع چارچوبی را تشکیل می‌دهد که جناح مغلوب در جمهوری اسلامی می‌خواهد در آن «وضعیت باز» تحمیلی را اداره و خواست خیابان و فرودستان یعنی سرنگونی را منتفی بکند. استراتژی موسوی/خاتمی در پذیراندن خواست یک «قانون اساسی» جدید (موسوی) یا اصلاح آن (خاتمی) به عنوان خواست حداکثر مردم و آلترناتیو سرنگونی است و به این ترتیب از آنجا که یک قانون اساسی، چه کاملاً جدید و چه اصلاح شده، در چارچوب جمهوری اسلامی و قوانین آن بدون سرنگونی میسر است، جنبش انقلابی را بدل به جنبش برای اصلاحات قانون اساسی بگرداند (رجوع شود به اصل ۱۷۷ قانون اساسی فعلی در مورد امکان قانونی تغییر قانون اساسی!)

از هم اکنون عناصری از استراتژی «اداره‌ی وضعیت باز» را می‌توان روئیت کرد. سبزه‌های اسلامیت، از منظر جریان غالب در صورتی که در چارچوب مورد اجماع در رژیم بمانند، که عمدتاً می‌مانند، دوباره در حوزه‌ی سیاست رسمی و حداقل در حاشیه مراکز قدرت رژیم پذیرفته و به کار گرفته می‌شوند. (برای مثال می‌توان دید که همسر عطاءالله مهاجرانی که از رهبران «فتنه» قلمداد می‌شود، در روزنامه‌ی اطلاعات به کار گماشته شده است.) بحث و گفتگو له و علیه هر دو بیانیه (موسوی/خاتمی) بدون محدودیت به طور علنی در سطح رسانه‌های رژیم و اپوزیسیون جمهوریخواهان راست و شبکه‌های اجتماعی جریان دارد و همچنین در رسانه‌های غربی صاحب نفوذ در ایران مثل بی‌بی‌سی و صدای آمریکا، بازتاب یافته و می‌یابد که با تبعیت از دول مطبوعشان از استراتژی ارتقاء ضد انقلاب بویژه طرفداران رژیم نئوکلونیال پهلوی پیروی می‌کنند.

جمهوریخواهان راست خارج کشور و سبزه‌ها با تقلیل جمهوری اسلامی به نهاد ولی فقیه و در خواست حذف آن با موسوی همراهند. این سه جریان (اصلاح‌طلبان و سبزه‌های اسلامیت و جمهوریخواهان راست) عملاً و

در واقع بحران روامندی Legitimitätskrise رژیم را با برقراری معادله‌های «جمهوری اسلامی = ولی فقیه» و «جمهوری اسلامی = قانون اساسی»، «عبور از جمهوری اسلامی = تغییر قانون اساسی» خواست سرنگونی را به یک بحران قانونی تقلیل داده و در نهایت در خدمت حل بحران قرار می‌گیرند یا از شدت آن می‌کاهند. این در حالی است که خواست سرنگونی در مقابل خواست «تعویض رژیم» (جریان‌ات غربی) و خواست تغییر قانون اساسی (اسلامیون) متضمن تغییر ساختی در وهله‌ی سیاست است.

کنفرانس مونیخ، استراتژی «تعویض رژیم» و پرچام

«مجلس خبرگان» در بیانیه‌ای که در روز شنبه ۱۳ شهریور ۱۴۰۳ منتشر کرد، به این نتیجه رسید که «توافق **consensus** بین طرفین در این باره وجود ندارد». این بیانیه در حالی صادر شد که مقامات ایرانی و روسی در جریان مذاکرات در وین، در مورد توافق بر سر کاهش تنش‌ها و جلوگیری از تشدید تنش‌ها، به توافق نرسیده‌اند.

از استراتژی «تعویض رژیم» دخالت در روابط و مناسبات قدرت در کشور مربوطه به قسمی است که یک رژیم طرفدار غرب در آن کشور بر سر کار بیاید. این استراتژی، در یک کلام این است که دولت مذکور «منافع ملی» را تابع خواست «دو» هژمون غربی در سیستم بین‌المللی بسازد و در شبکه بین‌المللی دول، رابط‌های قدرت نامتقارن را به نفع غرب تضمین بکند. (در مورد تفاوت کانتی هدف و منظور بر این بافتار به کلوزویتز در مورد جنگ و تفاوت هدف aim و منظور pupose رجوع شود.)

استراتژی «تعویض رژیم» میتواند به چند شکل یا ترکیبی از اشکال زیر تحقق بیابد، (۱) کودتای نظامی (۲) دخالت در راستای استحالی یک رژیم (۳) موج سواری نیرویهای طرفدار غرب در روند سرنگونی رژیم توسط مردم و (۴) جنگ (چه مستقیم و چه نیابتی) (۵) ترور و تولید کائوس!

همواره باید به عنوان یک اصل توجه کرد: بر خلاف دریافت سطحی در میان نیروهای رادیکال (بویژه نمایندگان مارکسیسم روسی) گستردگی منابع قدرت در انتخاب راهکار(ها) تعیین کننده است. از آنجا که منابع غرب را می‌توان «نامتناهی مجازی» قلمداد کرد، باید شرایط اجازهی پیشبرد این یا آن شکل تحقق استراتژی را بدهند. غرب با توجه اصل مذکور تاکنون هر چند شکل را با شدت و ضعف متفاوت اما با هم در جهان دنبال می‌کند!

در حالیکه در ایران امکان سازماندهی کودتا بسیار ناچیز و نزدیک به صفر است، و جنگ در این لحظه نه میسر است و نه مطلوب، شرایط آمریکا را مجبور را به اتخاذ سیاست‌هایی در قبال ایران کرده است که بیشتر در چارچوب اشکال دیگر تحقق استراتژی مذکور می‌گنجند.

نیاز به توضیح نیست که هر سه فرد تاجزاده/خاتمی/موسوی، میل به پذیرش هژمونی غرب را با اشاره به خواست «تغییر سیاست خارجی» در گفتارهای خود به طور «سربسته» ابراز داشته‌اند.

اینکه چرا رسانه‌های غربی در مقابل بیانیه موسوی واکنش مثبت نشان داده‌اند، حائز اهمیت است. در واقع موسوی که در سال ۸۸ نشان داد می‌تواند رهبری یک «انقلاب» رنگی را بر عهده بگیرد، هنوز در چارچوب انتخاب‌های غرب مطرح است! با اینکه با قطعیت می‌توان گفت احیای رژیم نئوکولونیال پهلوی انتخاب اول غرب است و چنین رژیمی همچون سلف خود منافع غرب را بر منافع ملی در ایران ترجیح خواهد داد، با این همه رهبر و کل سران سبزه‌ای اسلامیت در مقابل ضد انقلاب سلطنت‌طلب از یک نظر برای غرب اهمیت بیشتری دارند، این‌ها علاوه بر موج‌سواری قادرند، بر خلاف راست افراطی در خارج در استحالهی درونی رژیم در داخل شرکت داشته باشند و آن را به جلو سوق بدهند و یکی از پایه‌های اختلاف در درون رژیم را تشکیل می‌دهند. با این همه سؤال این است: چرا به جای این جریان ضد انقلاب سلطنت‌طلب به کنفرانس مونیخ دعوت شد؟

دعوت از اپوزیسیون ضد انقلاب به این کنفرانس چندین اثر متفاوت داشته و آن را حداقل از سه جهت باید مورد بررسی قرار داد: ۱) اثر این دعوت بر رابطهی غرب با دولت ایران (بویژه در چارچوب برجام) ۲) استراتژی «تعویض رژیم» و ۳) دخالت در روابط قدرت بین نیروهای مختلف اپوزیسیون.

رژیم در پی انتخابات اخیر سیاست «چرخش به شرق» را اتخاذ کرده است. اتخاذ این سیاست منجمله تحت فشار غرب و استراتژی «تعویض رژیم» و در آن بویژه بواسطه‌ی تحریم‌ها صورت گرفته است. برجام، اگرچه موضوع ظاهری و اصلی‌اش کنترل گسترش «سلاح‌های اتمی» و ممانعت از «تولید بمب اتمی» در ایران است، اما در واقع برمی‌گردد به تحدید نقش و دخالت‌های ایران در سیستم بین‌المللی و بویژه در آسیای غربی. صرف‌نظر از سخنوری‌های اولیه در اوائل انقلاب می‌توان دخالت‌های ایران در منطقه را در چارچوب استراتژی («جنگ» نامتقارن) و دفاع رژیم از خود تحلیل کرد. مذاکرات برجام بدل به ابزاری شده‌اند برای پیشبرد استراتژی «تعویض رژیم» و در این راستا به خصوص شروط پمپئو را می‌بایست حداکثر خواست‌های غرب در راستای تضعیف سیستم دفاعی رژیم ایران نگریست و مقدمه‌ی «تعویض رژیم» خشن تلقی کرد! خواست اصلی ایران در این مذاکرات نیز در واقع گرفتن «تضمینی» از غرب دال بر عدم دنبال کردن استراتژی «تعویض رژیم» است. حتما باید توجه کرد که مذاکرات برجام با در نظر گرفتن رابطه‌ی نامتقارن قدرت برای دو طرف اهمیت نامساوی دارد و فاکتور زمان به نفع غرب عمل می‌کند. با توجه به فاکتور زمان این میدان یک میدان «جنگ» فرسایشی برای غرب را تشکیل می‌دهد (همانند جنگ اوکراین از منظر غرب)!

تا پیش از شروع اعتراضات، علیرغم اینکه برای غرب (بویژه اروپائی‌ها) و آمریکای بایدن چشمانداز شکلگیری برجام ۲ و رفع تحریم‌ها باز و محتمل بود، با این همه به دلائل عدیده که در اینجا به آنان نمی‌توان پرداخت، توافق صورت نگرفت. حتی پس از جنگ اوکراین با توجه به تنگناهای بازار انرژی با اینکه رژیم بایدن تمایل داشت که به یک توافق با رژیم برسد، این امر به انجام نرسید. برجام با شروع جنبش «زن، زندگی، آزادی» و باز شدن چشمانداز سرنگونی و خواست و تمایل واقعی غرب به «تعویض رژیم» به بعد موکول شد. حتی می‌توان گفت: در طی اعتراضات «برجام مرده است» به مقام یک شعار در غرب ارتقاء یافت.

در غرب ابعاد واقعی جنبش اعتراضی بزرگ‌تر از آنچه بود در «تمام» رسانه‌های غربی دولتی و اصلی منعکس شد. با چشمانداز «تعویض رژیم» رهبر و چهره‌سازی (که یکی از لحظات تعریف شده در استراتژی «تعویض رژیم» است)، تسریع و به شدت دنبال شد و حتی از فرط تعجیل شکل مسخره‌ای به خود گرفت (به ملاقات‌های رهبران غرب با چهره‌های بی‌چهره‌ی ضد انقلاب، منجمله دعوت اسماعیلیون به داوس، و

گزارش‌های تبلیغاتی رسانه‌های غربی در مورد برخی از این عناصر توجه شود.)

در پرتو این جنبش دوباره تمام ماشین‌های اجرائی استراتژی «تعویض رژیم» غرب با تمام قوا شروع به کار کرد! اما رژیم با سرکوب بیرحمانه و حساب شده به ویژه در کردستان توانسته است تا این لحظه وضع را کنترل بکند و امید همه‌ی جریان‌ها، اعم از انقلابی و غربی-ضدانقلابی را نقش بر آب کند که سرنگونی بلاواسطه را □□ □□□□ انتظار داشتند.

با توجه به ضعف مفرط رژیم در روند اعتراضات، غرب فرصت طلایی تحمیل یک توافقنامه را که پتانسیل پذیرش آن از طرف رژیم موجود بود، بر مبنای محاسباتی از دست داد که ناشی از دیدن امکان سرنگونی رژیم در افق و به فرجام رسیدن استراتژی «تعویض رژیم» بود.

دعوت برگزار کنندگان کنفرانس مونیخ از اپوزیسیون ضد انقلابی و غیبت نمایندگان دولت در واقع یک اهرم فشار برای جدی گرفتن تهدید غرب و تحمیل شرایط غرب به دولت ایران است. با این همه امکان بازتولید وضعیت و فرصت طلایی از دست رفته در مذاکرات برجام برای تحمیل برجام ۲ نزدیک به صفر است.

بر خلاف دریافت‌های عامیانه، دعوت از ضد انقلاب مغلوب پس از نشست در «دانشگاه جرج تاون» پذیرش غیر رسمی ضد انقلاب به عنوان نماینده‌ی ایران معنا می‌دهد. این حرکت نه فقط در برابر دولت بلکه برای بخش‌های اپوزیسیون بویژه جریان‌های راست نیز اهمیت دارد. با این سیاست احتمالا غرب می‌خواهد به جریانات دیگر اپوزیسیون انتخاب اول خود را تحمیل کند. جریان دست راستی جمهوری‌خواهان نیز باید همچون رژیم این دعوت را جدی تلقی بکند و احتمالا خواهد کرد. جدی تلقی کردن این دعوت به معنای آن است که حمایت غرب از آنان در آتیه می‌تواند مشروط به پذیرش رهبری ارتجاع نئوکولونیال تعبیر شود و به این اعتبار تلاش برای فشرده شدن و وحدت روزافزون ضد انقلاب صورت بپذیرد. مانع این امر سبزه‌ها و اصلاح‌طلبان اسلامیت و در حاشیه مجاهدین هستند که بر خلاف جمهوری‌خواهان راست و حتی لائیک امکان تبدیلمان به مشروطه‌چی بسیار ناچیز و در برخی موارد غیر ممکن است.

در این راستا می‌توان گفت غرب که مسئله‌اش وحدت دو جریان ضد

انقلاب است، احتمالا در این مورد با شکست مواجه می‌شود و باید در استراتژی و انتخاب اول خود علیرغم تمایل شدید به احیاء حکومت نئوکلونیال پهلوی در مورد جریان سبز (و جمهوری خواهان راست) تجدید نظر کند و به «وابستگی هژمونیال» این نیروها به خود در این مرحله اکتفا نکند. طبعاً باید منتظر بود و روند انکشاف جنبش را در آتیه از نزدیک دنبال کرد که برای همه نیروهای درگیر اعم از راست و چپ تعیین کننده است.

تداوم اشتباه غرب در این مورد زمان لازم را برای اپوزیسیون انقلابی فراهم می‌آورد تا بدیل خود را ارائه بکنند. در این روند نیروهای انقلابی یک وظیفه‌ی حیاتی بلاواسطه در مقابل دارند: وحدت! بدون وحدت، هیچ یک از جریان‌ات موجود نقش قابل تاملی در سطح ملی نخواهند داشت. موانع وحدت بسیارند، اما بر همه منجمله □□□□ □□□□ آن در روند تولید وفاق بر سر یک تاکتیک/نقشه برای انقلاب آتی می‌توان فائق آمد. «شورا» در این راستا نه فقط راه حل خروج برای کل جامعه ایران از این وضعیت است، بلکه این دریافت در عین حال راه حل معضل وحدت و حل بحران هژمونی در جبهه‌ی انقلاب نیز هست.

درخواست بازرسی و بررسی فوری به حمله‌های شیمیایی به مدرسه‌های کشور



نامه به آنتونیو گوترش دبیر کل سازمان ملل متحد

عالیجناب آنتونیو گوترش دبیر کل سازمان ملل متحد

موضوع: درخواست بازرسی و بررسی فوری به حمله‌های شیمیایی به مدرسه‌های کشور و وضعیت مصدومین این حملات

رژیم ایران همواره پاسخ هرگونه دادخواست و اعتراض مردم ایران را با گلوله، زندان، شکنجه و اعدام داده است. شش ماه پیش، پس از کشته شدن دختر جوانی به دست ماموران حکومتی به اتهام "بدحجابی" و انبوه خواسته‌های برآورده نشده‌ی مردم، سبب شروع جنبش بزرگی در بیش از صد شهر ایران شد که حضور زنان، دختران جوان و خصوصا دختران دبیرستانی در آن چشمگیر بود.

قتل بیش از ۵۵۰ شهروند ایرانی در تظاهرات مسالمت‌آمیز، که بعضی از آنان کودک بودند، به آتش خشم مردم دامن زد و اعتراضات مردمی به تمام ایران سرایت کرد.

جنایت و سرکوب مردم توسط رژیم ایران با دستگیری بیش از ۸۰ هزار تن از مردم معترض و اعدام بیش از ۲۰ نفر و تجاوز جنسی به زندانیان زن، که شواهد آن موجود است، همچنین با شلیک ساچمه به معترضین و نابینا کردن ده‌ها تن، کماکان ادامه دارد.

جنایت باورنکردنی که هم اکنون در سرتاسر کشور در حال وقوع است، پخش گازهای سمی و شیمیایی در مدرسه‌های دخترانه است.

طبق گزارش کمیته حقیقتیاب، حداقل ۲۳۰ مدرسه در ۲۵ استان کشور مورد حملات گاز سمی قرار گرفته‌اند. بر اساس گزارش کمیته فوق، تا ۱۴ اسفند بیش از ۵۰۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر مسموم شده‌اند، که اکثریت قابل توجه آنان دختران هستند.

مسئولان کشوری، پلیس، سپاه پاسداران و دیگر نیروهای امنیتی ایران، تاکنون هیچگونه پاسخی به این جنایت ضد بشری نداده‌اند. حتا با خانواده‌های داغدار و مصدوم این جنایت بشدت نیز برخورد کرده‌اند.

رهبران رژیم حاکم بر ایران که ادعا می‌کنند نقشی در این جنایت ندارند، بی‌کفایتی در پیدا کردن عاملین و جلوگیری از تکرار وقوع این جنایتهای وحشتناک را اثبات کرده‌اند!

به باور ما، پخش گاز سمی و شیمیایی در مدارس دخترانه، که بصورت سیستماتیک انجام شده است، یکی از پروژه‌های سرکوب و به انحراف کشیدن ذهن مردم از مشکلات اقتصادی و بحران‌های سیاسی و اجتماعی در کشور است.

از سوی دیگر، روند سرکوب‌ها و باورهای واپسگرایانه رهبران سیاسی و مسئولان کشوری و امنیتی در بوجود آوردن آپارتاید جنسیتی در ایران و بازداشتن دختران از تحصیل، یکی دیگر از انگیزه‌های سرکوبگران بوسیله‌ی گاز سمی و شیمیایی در مدارس دخترانه می‌باشد.

ما امضا کنندگان این تقاضا نامه، خواستار رسیدگی فوری و بدون درنگ سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، که وظیفه رسیدگی و نگاهبانی از جان بیگناهان و به اجرا درآوردن قوانین بین‌المللی و انسانی است، تقاضا می‌کنیم از مدارس که مورد حمله شیمیایی واقع شده‌اند و همچنین آسیب دیدگان این حملات بازدید و مراقبت به عمل آورند.

هیچ انسان و نهاد انسانی و عدالت خواه نمی‌تواند نسبت به این جنایات خاموش بماند. چه جنایتی علیه بشریت در ایران باید رخ دهد تا جهانیان متقاعد شوند رژیم حاکم بر ایران، مرتکب جنایت علیه بشریت شده است؟ این رژیم، با هر استناداردی یک نظام کودک کش، تروریست و ناقض حقوق بشر است. نمی‌توان در برابر جنایتهایش خاموش ماند.

صدای مردم دادخواه ایران باشید که دیگر تاب و توان این همه ستم و جنایت را ندارند. از شما تقاضا داریم درخصوص این جنایات‌ها بی‌تفاوت نمانید و هیئت کارشناسی به ایران بفرستید تا پرده از این جنایات مخوف بردارد.

با سپاس امضاء کنندگان:

اسامی امضا:

- محمد نوری زاد (زندانی سیاسی)
- عباس واحدیان شاهرودی (زندانی سیاسی)
- شیرین عبادی (برنده جایزه صلح نوبل)
- هادی خرسندی (شاعر سیاسی)
- اکبر کریمیان (تحلیلگر سیاسی)
- علی جوانمردی (روزنامه نگار)
- محمد مهدوی فر (زندانی سیاسی سابق)
- وحید بدیعی (روزنامه نگار)
- پوران ناظمی (زندانی سیاسی سابق)
- بهرام آبتین (فعال سیاسی)
- دکتر کمال جعفری (زندانی سیاسی)
- ابراهیم احراری (مجری شبکه کلمه)
- حسن شریعتمداری (تحلیلگر سیاسی)
- مسعود نقره کار (نویسنده، پزشک)
- محمدرضا عالی پیام (شاعر، فیلمساز، منتقد)
- جهانگیر لقایی (تحلیلگر سیاسی)
- سید هاشم خواستار (زندانی سیاسی)
- هاشم امینی (زندانی سیاسی)
- گوهر عشقی (مادر دادخواه)
- بابک یزدی (مدیر اجرایی کانون خاوران)
- سام منتظری (فعال سیاسی)
- قاسم شعله سعدی (زندانی سیاسی سابق)
- وحید بهشتی (مدیر رسانه در تیوی)
- حسن اعتمادی (روزنامه نگار)
- زرتشت احمدی راغب (زندانی سیاسی سابق)
- اسدالله فخمی (فعال مدنی)
- شکرالله مسیح پور (فعال سیاسی)
- نرگس منصوری (زندانی سیاسی سابق)

- صدیقه مالکی فرد (فعال سیاسی)
- مهدی ترابیان (فعال سیاسی)
- میترا بابک (فعال سیاسی)
- رضا ملک (زندانی سیاسی سابق)
- مهشید ناظمی (فعال سیاسی)
- بهنام ابراهیم زاده (فعال حقوق کودکان)
- مجید نیکنام (مدیر بنیاد ستار بهشتی)
- منوچهر محمدی (فعال حقوق بشر)
- داریوش عمران زاده (فعال محیط زیست)
- افشین پیروی (فعال حقوق بشر)
- نادر فلاح (فعال حقوق بشر)
- نازک توکلی (فعال حقوق بشر)
- محمد نیکبخت (زندانی سیاسی سابق)
- با بختیاری (خانواده دادخواه)
- مهرداد بختیاری (خانواده دادخواه)
- مهدیه گلو (فعال حقوق زنان)
- کاوه مرتضوی (فعال سیاسی)
- احمد عالی نژاد (فعال سیاسی)
- کامبیز نوروز زاده (زندانی سیاسی سابق)
- محمد مقیمی (حقوقدان)
- پویا جگروند (زندانی سیاسی سابق)
- شهلا جهان بین (فعال سیاسی)
- سید جلال مدبر (فعال سیاسی)
- ایمان زارع – زاگرس (مستند ساز)
- غلامرضا غلامی کندازی (عضو انجمن صنفی معلمان شیراز)
- شعله زمینی (فعال سیاسی)
- حسن نایب هاشم (مدافع حقوق بشر)
- غلامرضا محمدی (فعال سیاسی)
- فرهاد تالشی (شورای همگرایی جنبشهای ایرانیان)
- ناهید دلنواز (کنشگر سیاسی)
- سجاد مشهدی عسگری همت آبادی (فعال سیاسی)
- ایرج توبه‌ای نجف آبادی (فعال صنفی معلمان)
- رحمان رویدل (زندانی سیاسی سابق)
- جهانگیر شادانلو (فعال سیاسی)
- مصطفی دهباشی (زندانی سیاسی سابق)
- حمید بی‌آزار (زندانی سیاسی سابق)

- شهلا انتصاری (زندانی سیاسی سابق)
- دیانا بیگلری فرد (فعال سیاسی)
- صادق رجبیان (زندانی سیاسی سابق)
- سیمین صبری (فعال حوزه زنان)
- افشین افشین جم (فعال حقوق بشر)
- اکبر قلی زاده (زندانی سیاسی سابق)
- ارژنگ برهان (فعال سیاسی)
- مجید آژنگ (فعال سیاسی)
- فرامرز بهار (فعال سیاسی)
- داود احمدلو (فعال سیاسی)
- هوشنگ کردستانی (تحلیلگر سیاسی)
- فرشید یاسایی (فعال سیاسی)
- محسن ترکمن (زندانی سیاسی سابق)
- سعید رنجبر (فعال سیاسی)
- عیسی ابراهیم زاده (فعال کارگری)
- اصغر سلیمی (تحلیلگر سیاسی)
- مجید دهبان (فعال سیاسی)
- انور میرستاری (فعال سیاسی)
- حبیب بهره مند (فعال سیاسی)
- ملیحه حیاتی (فعال سیاسی)
- مجید رستم پور (فعال سیاسی)
- مهدی علی زاده (فعال کارگری)
- یوسف قادری (فعال کارگری)
- محمدرضا خسروی (جبهه دموکراتیک ایران)
- ریحانه اسماعیلی (فعال سیاسی)
- افشین امین (فعال مدنی)
- محمد ابراهیم کیانی (خبرنگار رسانه‌ای)
- سهیلا ستاری (فعال سیاسی و مدنی)
- محسن صادق پور (زندانی سیاسی سابق)
- مصطفی رمضانی (زندانی سیاسی سابق)
- محمد دانیالی (زندانی سیاسی سابق)
- مجید روشن نژاد (زندانی سیاسی سابق)
- مجتبی توکل (زندانی سیاسی سابق)
- حجت الله رافعی (زندانی سیاسی سابق)
- رضا سلما نژاده (دادخواه)
- کمال پرهام (حقوقدان)

- رفعت شهابی (فعال مدنی)
- روزبه اکرازی (فعال حقوق بشر)
- امید رستم پور (زندانی سیاسی سابق)
- هایده روش (تحلیلگر سیاسی)
- خلیل خلیلی پور دارستانی (حقوقدان و تحلیلگر سیاسی)
- کامران چاه تل (فعال سیاسی)
- کوروش فرزین (فعال سیاسی)
- گیتی پور فاضل (فعال سیاسی)
- پوران فکور (فعال سیاسی)
- آریا آرام نژاد (فعال اجتماعی)
- آبتین آیینه (شاعر و پژوهشگر)
- ژیلما مکوندی (فعال سیاسی)
- بهنام بیات (فعال سیاسی)
- محمد هادی مهرانی (فعال سیاسی)
- پرویز مختاری (فعال سیاسی)
- آرش آذرخش (فعال سیاسی)
- سیران محمد حسینی (فعال مدنی)
- سپیده پورآقایی (فعال سیاسی)
- کاوه شیرزاد (فعال سیاسی)
- رحیم بندووی (تحلیلگر سیاسی)
- فریبا قربانی (فعال سیاسی)
- فریندخت هادیخانلو (فعال سیاسی)
- فرشته سلطانی (فعال سیاسی)
- مسعود قربانی (فعال سیاسی)
- راحله نوروزی (فعال سیاسی)
- بهروز قربانی (فعال سیاسی)
- معصومه توفانپور (فعال حقوق کودکان)
- افسون دهقانی (فعال مدنی)
- فریبا اعرابی (کنشگر سیاسی)
- زیبا طوفانی (کنشگر سیاسی)
- احمد حسینی (کنشگر سیاسی)
- الهه امیدی (کنشگر سیاسی)
- فلور روحانی (کنشگر سیاسی)
- پریسا پوینده (فعال حقوق زنان)
- شهران طبری (تحلیلگر سیاسی)
- غلامرضا عسگری (فعال کارگری)

- اصغر کیانی (فعال سیاسی)
- فروغ روانخواه (فعال سیاسی)
- نرگس کرمانشاهی (فعال سیاسی)
- سیامک نادری (کنشگر سیاسی)
- آلن اکباتانی (تحلیلگر سیاسی)

همین نامه به نهادی زیر پست شد:

- سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد، یونسکو
- سازمان منع تسلیحات شیمیایی (OPCW)
- پارلمان اروپا
- جواد رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

ما خواستار استقرار جمهوری ایران هستیم



بیانیه‌ی جمعی از کنشگران جمهوریخواه

ایران

ما ایرانیان آزادیخواه و مستقل، دارای اندیشه های گوناگون، خواهان پایان بخشیدن به رژیم جمهوری اسلامی و مخالف هر گونه رژیم استبدادی می باشیم. در آخرین روزهای سال، بمناسبت بزرگداشت چهاردهم اسفند، یادآور دکتر محمد مصدق بزرگمرد نهضت ملی ایران و سالگرد ملی شدن صنعت نفت ایران (در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹)، با ارج نهادن به جنبش ها و مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران در ۱۵۰ سال گذشته تا به امروز، برای استقرار دموکراسی، تلاش و کوشش گسترده خود را برای به نتیجه رساندن جنبش دموکراسی خواهی لازم می دانیم. جنبش کنونی با شعار "زن، زندگی، آزادی" در تداوم تلاش های ملت ایران در انقلاب مشروطه، جنبش ملی کردن صنعت نفت و انقلاب ۵۷ است. بر ما است که در ادامه این تجربه و با شناسایی علل شکست ها و ضعف های آن، نهایت تلاش خود را انجام دهیم تا جنبش کنونی موفق شود. ما بعنوان بخشی از کنشگران سپهر سیاسی ایران، با قبول حق اختلاف و رای کلیه کنشگران، باور و عمل به اصول بنیادی زیر، که رمز موفقیت برای گشودن فصل جدیدی در تاریخ ایران است، را یادآوری می کنیم.

۱. آزادی و حقوق برابر انسان ها. ما پایبندی خود را به اعلامیه جهانی حقوق بشر و کلیه پیمانهای جهانی وابسته به آن که در آنها رعایت:

– کرامت انسان که خدشه ناپذیر است

– حق حیات و مخالفت با حکم اعدام و هرگونه شکنجه

– آزادی عقیده و بیان و آزادی دین

– حق دسترسی به اطلاعات و آزادی رسانه ها و مطبوعات و آزادی گردش اطلاعات و حق دسترسی به اینترنت

– حق اتخاذ تصمیم و آزادی انتخاب نوع تصمیم

– آزادیهای مدنی: آزادی احزاب، سندیکاها، کانون ها، انجمن ها، و...

– آزادی تظاهرات و اعتصابات،

- آزادی پوشش،

- رفع تبعیض جنسیتی و دیگر اشکال تبعیض و تأمین برابری حقوق افراد و زنان و مردان در همه زمینه ها و رعایت حقوق کودکان،

- عدم مداخله دولت در زندگی خصوصی و شخصی شهروندان،

- به رسمیت شناختن برابری حقوقی همه شهروندان بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های تیره ای، جنسیتی، گرایش جنسی، اتنیکی و قومیتی، زبانی، مذهبی، ایدئولوژیک و شیوه های زندگی خصوصی

تصریح شده است، اعلام می نمایم.

2. **استقلال.** سرنوشت ایران توسط مردم ایران و نمایندگان منتخب آنان تعیین می شود و کلیه تدابیر اتخاذی و سیاستگذاریها بایستی تابع نظر مردم بوده و ناقض حقوق اساسی و حقوق فردی و شهروندی و ملی نباشند و هیچ فرد، حزب، سازمان و گروه سیاسی حق دخالت دادن قدرتهای خارجی در امور داخلی را ندارد. با اینکه از حمایت افکار بین المللی از حقوق بشر مردم ایران استقبال می کنیم اما هیچ دولت یا قدرت خارجی حق دخالت چه مستقیم و چه غیر مستقیم در حاکمیت مردم را ندارد. افراد و نیروهای آزادیخواه معتقد به استقلال ایران، بدیل دمکراتیک برای آبادی و آزادی و عدم وابستگی ایران آینده می باشند، و مخالف دست بدامان و سرسپرده بیگانگان شدن و دخالت دادن قدرتهای خارجی برای تغییر رژیم هستند.

3. **دموکراسی.** ما خواهان دموکراسی، به این معنی که کلیه قوای کشوری و لشکری ناشی از اراده ملت (هر فرد، یک رای)، و اراده ملت تنها منبع مشروعیت است که از طریق تصمیم و انتخاب آزاد مردم اعمال می شود، هستیم. از شرایط اساسی تحقق حاکمیت ملت تدوین و تصویب یک قانون اساسی دموکراتیک است که در آن، حقوق و آزادی های همه مردم منظور و ضمانت های اجرایی آن مشخص شده باشند. ما از حقوق همه، با هر عقیده و مرامی و از جمله مخالفان سیاسی خود دفاع می کنیم و خواستار مشارکت ملت در همه امور می باشیم.

4. **جمهوریت.** ما خواهان اداره کشور تحت نظام جمهوری هستیم. در جمهوری مقامات کشور همگی مسئول و پاسخگو هستند و برای

مدتی محدود و معین از سوی مردم و یا نمایندگان آنها در روند یک انتخابات آزاد، منصفانه و شفاف انتخاب و یا گزیده می شوند. جمهوری به مفهوم رد هرگونه نظام موروّثی است.

5. جدایی نهاد دین و هرگونه ایدئولوژی از دولت. ما خواستار جدایی نهاد دین از دولت [به مفهوم انتظام سه قوهء مقننه، قضائیه و مجریه] می باشیم. هیچ دین و مرام و عقیده ای در قانون اساسی رسمیت نمی یابد. هیچ کس به دلیل داشتن و یا نداشتن دین و یا مسلک یا اندیشه ای از امتیازی ویژه برخوردار یا محروم نمی گردد. ما با تاکید بر مخالفت خود با دین دولتی و دولت دینی، (و هر مرام) و با قبول حق نقد، مخالفت خود را با هر گونه نفرت پراکنی دینی و عقیدتی اعلام می کنیم.

6. عدالت. عدالت میزانی برای رشد و ثبات جامعه است. ما پیگیری سیاست هائی را ضروری می دانیم که عدالت به معنی کاهش شکاف بین قطب های فقر و ثروت، برخورداری اقشار هرچه وسیعتر مردم از فرصت ها و امکانات برابر، شغلی، مسکن، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و رفع تبعیض و کاستی های فردی در همه عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را که از شرایط استمرار یک دموکراسی پایدار است، در نظر داشته باشد. ما خواهان رشد مناطق محروم کشور و فراهم آوردن امکانات برای شرکت آنها در رشد ملی می باشیم .

7. ملت ایران مجموعه ای از گروه های جمعیتی با مذهب و زبان و گویش ها و فرهنگ های مختلفی است که در طول تاریخ با هم در ایجاد و غنای فرهنگ ملی، تمدن و تاریخ مشترک سهیم بوده و هستند. از اینرو همانطور که دولت نمی تواند نماینده دین و یا عقیده ای خاص باشد، نهادهای دولتی نیز نباید در خدمت فرهنگ خاصی قرار گیرند. احترام به حقوق اثنیکی و قومی مختلف ایرانی، حمایت از تنوع فرهنگی، زبانی، واگذاری تصمیم گیری ها به نهادهای انتخابی محلی و استانی و تلاش برای رشد موزون مناطق مختلف کشور در یک ساختار غیر متمرکز از جمله خواسته های ماست و ضروری میدانیم که در دموکراسی آینده فراهم آوردن امکانات لازم برای رشد برابر هویت های فرهنگی گوناگون در برنامه کار مسئولین اجرائی

باشد. زبان فارسی زبان رسمی اداری در سراسر کشور است. ما معتقدیم که تدریس و فراگیری زبان های مختلف قومی - اتنیکی از مدارس ابتدائی تا مرحله دانشگاه حق ایرانیان است و رعایت آن را ضروری میدانیم.

8. یکپارچگی سرزمینی ایران و سیاست خارجی. ما خود را پایبند به حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی سرزمینی ایران و سیاست خارجی مستقلی که بر اساس حفظ حقوق ایران بر مبنای عدم سلطه گری و سلطه پذیری، دفاع از صلح، حسن همجواری، رعایت و گسترش روابط مسالمت آمیز با سایر کشورها و بویژه کشورهای همسایه باشد، می دانیم. ما خواهان تنش زدایی در سیاست خارجی هستیم و استفاده از قوای نظامی برای حل مسائل سیاسی داخلی و خارجی را مردود می دانیم.

9. حفظ زیستگاه. ما حفظ زیستگاه که نسلهای حاضر و آینده باید در آن حیات رو به رشدی داشته باشند را وظیفه خود دانسته و خود را متعهد به رعایت ضوابط، اصول و استانداردها و الگوهای رفتاری مربوط به حمایت از محیط زیست و عمران طبیعت میدانیم و بر این باوریم که میراثهای طبیعی ایران و جهان را باید از آسیبهای مختلف محفوظ داشت.

10. پاسداری از میراث تاریخی و فرهنگی. میراث تاریخی و فرهنگی که ثمره تلاش ها و خلاقیت های مشترک مردمان ساکن در سرزمین ایران است، باید از هر گونه تعرض و تخریب و تحریف مصون بماند. پاسداری و مراقبت نسل امروز از میراث تاریخی و فرهنگی ایران، مسئولیت و وظیفه ای بزرگ نسبت به گذشتگان و نیز نسلهای آینده است.

ما امضا کنندگان این متن وظیفه انسانی، ملی و میهنی خود می دانیم که ده اصل بالا را رعایت کرده و تمامی تلاش خود را برای به اجرا درآوردن آنها بکار گیریم. ما نظام جمهوری اسلامی را رد کرده، برای آن هیچگونه مشروعیتی قائل نبوده و خواهان استقرار جمهوری ایران از طریق مجلس موسسانی که در دوران گذار در شفافیت و آزادی کامل از سوی مردم انتخاب خواهد شد می باشیم. ما هرگونه تغییر رژیم را تنها با تصمیم ملت ایران و با مراجعه به آراء مردم مطلوب می دانیم. ما پرهیز از خشونت، در سطح جامعه و

همچنین در رویارویی با نظام جمهوری اسلامی را لازم دانسته و معتقد به مبارزه سیاسی خشونت زدا به عنوان روش مبارزاتی هستیم.

با ارج نهادن به جنبش ملت ایران و برای همبستگی ملی و استقرار دموکراسی و جمهوری در ایران.

برای تماس: mozejomhourikhahi@gmail.com

علاقمندان برای امضا می توانند به سایت زیر مراجعه کنند:

<https://www.jomhouriiiran.org>

تاکنون افراد [به ترتیب الفبا] زیر این متن را امضا کرده اند:

شغل/فعالیت	نام	نام خانوادگی	کشور
1	جمال	احمد نژاد	فعال مالتا
سیاسی			
2	حمید	احمدی	پژوهشگر
تاریخ معاصر ایران		آلمان	
3	داریوش	احمدی	کنشگر سیاسی و
حقوق بشری		آلمان	
4	نوید	احمدی	فعال حقوق
بشر		آلمان	
5	فرشته	احمدی	پرفسور جامعه
شناسی		سوئد	
6	منا	احمدی پور	فعال حقوق
بشر		آلمان	
7	آرش	اختریان	فعال

اقتصادی و مدنی	ایران	
8	سپهیل	اسدپور
مدنی		ایران
9	عادل	اسدی نیا
سیاسی		سوئد
10	سینا	اشجعی
بشر		آلمان
11	بتول	اشکان نژاد
بازنشسته		انگلستان
12	پریسا	اعظمی
سیاسی		آلمان
13	مریم	افتخار
و حقوق بشری		آلمان
14	مسعود	افتخاری
سیاسی		سوئد
15	مهدی	افشارزاده
حقوق بشر		ترکیه
16	گودرز	اقتداری
سیاسی		آمریکا
17	علی	اکبر موسوی
سیاسی		آمریکا
18	اسد	اکبری
فعال اجتماعی		آلمان
19	حمید	اکبری
جمهوریخواه		سوئد
20	رضا	اکرمی
سیاسی		کنشگر
		فرانسه

21	م.م	الهامی	فعال	سیاسی
			ایران	
22	بهرام	امامی	فعال	سیاسی
			سوئد	
23	نسرین	امیر محمدی		پرستار اتریش
24	الهه	امیرانتظام	فعال سیاسی	و عضوشورای رهبری- اجرائی جبهه ملی
			ایران	
25	نادر	انتظام	فعال	ملی- مذهبی
			آمریکا	
26	شاهین	انزلی	کنشگر	سیاسی
			اتریش	
27	فرید	انصاری	کنشگر سیاسی	و مدافع حقوق افراد دارای معلولیت
			انگلستان	
28	وهاب	انصاری	کنشگر	سیاسی
			آلمان	
29	مرتضی	انواری	فعال	سیاسی
			آمریکا	
30	مریم	اهری	فعال	سیاسی
			آمریکا	
31	مهین	ایدر	فعال	حقوق بشر
			آلمان	
32	علی	ایزدی	روزنامه	نگار و تحلیلگر سیاسی - مرکز عباس امیرانتظام
			انگلستان	
33	یرواند	آبراهامیان	تاریخدان و	استاد دانشگاه
			آمریکا	
34	سالار	آزاد		

35	حمید	آزادی	فعال	آلمان	سیاسی
36	ایاز	آسیم	ایران		کنشگر مدنی
37	حمید	آصفی	فعال	ایران	سیاسی
38	مینا	آقا بیگی	فعال حقوق	آلمان	انسان
39	شیروان	آقای	فعال	دانمارک	سیاسی
40	سید	یعقوب آل شفیعی	فومنی		

فعال مدنی ایران

41	سید نادر	آموزگار	مترجم زبان	ایران	انگلیسی
42	بهنام	بابایان	فعال	ایران	دانشجویی
43	مجید	بازداران	فعال حقوق	آلمان	بشر
44	رضا	بدیعی	مبارز	آمریکا	آزادیخواه
45	یدالله	بلدی	فعال	آلمان	سیاسی
46	زهرا	بنی صدر	فعال	سوئیس	مدنی
47	علی	بنی صدر	فعال		

سیاسی	فرانسه	
48	فیروزه	بنی صدر
- پزشک و فعال سیاسی فرانسه		استاد دانشگاه
49	شاپور	بهرامی
صنعتی- کنشگر سیاسی و فعال حقوق بشر آمریکا		مدیریت
50	حبیب	بهره من
سیاسی		فعال هلند
51	علی رضا	بهروان
سیاسی		فعال ایتالیا
52	علی	بهزاد نیا
دمکراسی خواه		پزشک - آمریکا
53	حدیث	بیرا نود
بشر		نروژ
54	بهروز	بیات
هسته ای و کنشگر سیاسی		کارشناس
		اتریش
55	بهنام	بیات
سیاسی ملی		ایران
56	علیرضا	بیشه
		ایران
57	نکیسا	پارسا
نویسنده ایران		
58	کوروش	پارسا
سیاسی		فعال آمریکا
59	فرامرز	پاکزاد
بشر		فعال حقوق آمریکا
60	میترا	پاکزاد

نروژ	زبان دکترای انگلیسی		
فعال حقوق	پرویزی	مازیار	61
اندونزی			بشر
فعال	پور عبدالله	سعید	62
آمریکا			سیاسی
پورمحمدی	افسانه		63
			آزادیخواه
			ایران
فعال حقوق	پیرداده بیرانوند	ایمان	64
			بشر نروژ
جراح	پیرا	عطا	65
انگلستان			ارتوپدی
فعال	توانا (دریادل)	حسن	66
ایران			سیاسی
فعال	جاهدی	یوسف	67
سوئد			سیاسی
	جزایری	مجتبایا	68
			ایران
فعال	جزنی	میهن	69
فرانسه			سیاسی
کنشگر	جعفری	حسن	70
آلمان			سیاسی
فعال	جعفری	محمود	71
هلند			سیاسی
فعال	جعفری ماربینی	حسنیه	72
پزشک و فعال		انگلستان	حقوق پناهجویان
فعال سیاسی	جعفری ماربینی	عقیله	73

انگلستان

74	غزاله	جعفری ماربینی	مشاور
تجاری		انگلستان	
75	محمد	جعفری ماربینی	نویسنده و
محقق تاریخ معاصر		انگلستان	
76	امیر	جمالی	فعال
سیاسی		سوئیس	
77	حسین	جوادزاده	مدیر رادیو عصر
جدید		سوئد	
78	هرمز	چمن آرا	فعال
سیاسی		آمریکا	
79	مریم	حبیبی	فعال حقوق
بشر		آلمان	
80	علی	حجت	فعال حقوق
بشر		آمریکا	
81	محمد	حسن زاده مهرآبادی	پژوهشگر
و فعال حقوق بشر	آلمان		
82	جعفر	حسین زاده	فعال
سیاسی		بلژیک	
83	هدایت	حسینی	فعال
سیاسی		آلمان	
84	عذرا	حسینی-بنی	
مدر			
فرانسه			
85	آسو	حسینی نسب	

ایران

86	زهره	حق با علی	پژوهشگر و فعال
----	------	-----------	----------------

حقوق بشر	آلمان		
87	حسن	حمزه زاده آلمان	فعال و مدافع
حقوق بشر			
88	نقی	حمیدیان	کنشگر
سیاسی		سوئد	
89	شهین	حیدری	فعال حقوق
بشر		آمریکا	
90	رحیم	خبازی	کارگر -
فعال سیاسی		انگلستان	
91	اسفندیار	خلف	فعال
سیاسی		فرانسه	
92	سایما	دادوند	
مهندس آمریکا			
93	ستاره	دژم	فعال حقوق
بشری		سوئد	
94	محمود	دلخواسته انگلستان	جامعه شناسی
سیاسی			
95	ندا	دهقان آلمان	فعال
سیاسی و حقوق زنان و کوییر			
96	اکبر	دوستدار	فعال
سیاسی		آلمان	
97	هوتن	دولتی	عضو جبهه
ملی ایران		ایران	
98	مهران	دیوان بیگی زند	معلم
		آمریکا	
99	منصور	ذریعت خواه	فعال
سیاسی		سوئد	

100	بهرام	رستا	کنشگر
مدنی و سیاسی		آلمان	
101	الناز	رادمنش	
پزشک			
آلمان			
102	محمود	رجبلو	فعال
سیاسی			کانادا
103	مهران	رحمانی	زندانی سیاسی
سابق		فنلاند	
104	جواد	رحیم پور	فعال سیاسی و
تحلیلگر اقتصادی		ایران	
105	یونس	رستمی	فعال
سیاسی			ایران
106	جهان بخش	رشیدی	نویسنده
			انگلستان
107	عباس	رضا پسند	مهندس - زندانی
سیاسی سابق		هلند	
108	شبّنم	رضاوندی	فعال حقوق
انسان		آلمان	
109	حسن	رضایی	
حقوقدان			
آلمان			
110	حسین	رضایی	فعال
سیاسی			آلمان
111	آصف	رضائی	فعال
مدنی			ایران
112	حمید	رفیع	فعال
سیاسی			فرانسه

113	احمد	رفیع زاده آمریکا	پشتیبان حقوق بشر
114	محمد	رمیاد ایران	فعال سیاسی مذهبی
115	احمد	رناسی فرانسه	فعال سیاسی پژوهشگر ملی و
116	درویش	رنجبر آمریکا	دیپلمات پیشین ایران
117	زهرا	رهای آلمان	فعال حقوق بشر
118	فارا	رهنما	مدیر برنامه آمریکا
119	الهه	روحانی	
ایران			
120	عباس	روحانی	فعال سیاسی آمریکا
121	رزا	روزبهان	فعال سیاسی کانادا
122	مرضیه	زاهدی آمریکا	کنشگر مدنی دندانپزشک -
123	مجید	زربخش	فعال سیاسی آلمان
124	اسماعیل	زرگریان	فعال سیاسی سوئد
125	کوروش	زعیم	فعال سیاسی ایران
126	هادی	زمانی	

اقتصاددان انگلستان

127	سارا	زمانی آمریکا	برنامه
128	عبدالله	زمانی راد انگلستان	کارگر - فعال
129	شعله	زمینی اتریش	مدافع حقوق زنان
130	علی	ساعدی آلمان	فعال سیاسی
131	علی	ساکي نروژ	فعال حقوق بشر
132	اسدالله	سرکشیکیان	

ایران

133	محمد	سلیمانی سوئد	کنشگر سیاسی
134	ساسان	سلیمانی کانادا	فعال حقوق بشر
135	نگار	سمندری سوئد	روانشناس
136	سونیا	سوارکوب یونان	فعال حقوق بشر
137	مجید	سیادت انگلستان	تحلیل گر و فعال سیاسی
138	جهانگیر	شادانلو	فعال سیاسی
139	علی	شاگری	مرکز صلح

دانشگاه کالیفرنیا	آلمان	
140	شب افروز	فعال سیاسی
چپ	آمریکا	
141	شجاعی	فعال حقوق
زنان	هلند	
142	شریف زاده	فعال
مدنی	ایران	
143	شفیع زاده	عضو شورای مرکزی
جبهه ملی ایران	ایران	محمدرضا
144	شفیعی	روانشناس
اجتماعی و روان درمانگر	آلمان	علی
145	شفیعی	فعال
سیاسی	فرانسه	حسین
146	شفیعی ها	فعال
سیاسی	آلمان	صادق
147	شکرایبی	فعال زنان و
حقوق بشر	کانادا	الاهه
148	شکوهیان	فعال
سیاسی	ایران	تورج
149	پژوهگر، نویسنده، مترجم و	شمسایی
کنشگر اجتماعی ایران		محمدحسین
150	شهابی	فعال در راه
استقلال، آزادی	ایران	عزیزاله
151	شهرستانی	فعال سیاسی
رشت	ایران	ه .
152	شوری	نویسنده و
روزنامه نگار	ایران	محمد

153	رضا	شیرازی	کنشگر	سیاسی
154	اشکان	صابری	آهنگساز و رهبر	ارکستر
155	مهرداد	صابری	فعال حقوق بشر	و محیط زیست
156	فرید	صالح	مهندس برق	آمریکا
157	علی	صالحی	فعال در حوزه	حقوق انسان
158	منیژه	صبا	کنشگر	تمام حقوق بشر
159	علی	صدارت	فعال حقوق بشر	آمریکا
160	محسن	صفراهی	فعال ترکیه	آتئیست
161	اسماعیل	صفرزاده	فعال	سیاسی
162	جمال	صفری	فعال	سیاسی
163	علی	صمد	نویسنده و	کنشگر
164	مهرداد ف.	صمدزاده	نویسنده و	تاریخدان
165	اشکبوس	طالبی	روان شناس -	جمهوریخواه اتنیک (قشقایی) آمریکا
166	سید اسماعیل طبیبی	آمریکا	فعال سیاسی	

167	آبان	طهماسبی انگلستان	محقق تاریخ و
	فعال حقوق بشر		
168	شهره	عاصمی	بازیگر و
	کارگردان تئاتر	آمریکا	
169	بهرام	عباسی	کنشگر
	سیاسی	آلمان	
170	جواد	عباسی تولی ترکیه	روزنامه نگار و
	فعال حقوق بشر		
171	مرتضی	عبداللہی	فعال
	سیاسی	آمریکا	
172	سیامک	علامه زاده بلژیک	فعال سیاسی جمهوری
	خواه		
173	کاظم	علمداری آمریکا	استاد جامعه
	شناس		
174	ابوذر	علوی	فعال ملی -
	مذهبی	ایران	
175	سیده سمیه علوی		فعال ملی -
	مذهبی	ایران	
176	سیده لیلا	علوی	فعال ملی -
	مذهبی	ایران	
177	سیده مینا	علوی	فعال ملی -
	مذهبی	ایران	
178	رضا	علوی آمریکا	نویسنده و
	تحلیل گر سیاسی		
179	تقی	علیجانی	فعال
	سیاسی	ایران	
180	مناف	عماری	دانش آموخته
	حقوق و کنشگر سیاسی	نروژ	

181	حمید	عمرانی	آلمان
			دندانپزشک
182	عباد	عموزاد ایران	فعال مدنی و
			تحلیلگر سیاسی
183	ارنست پویا	عنایتی ایتالیا	روزنامه نگار
			تحقیقی
184	حسین	غبرایی کانادا	نویسنده و
			مترجم
185	کاوه	غزلباش ترکیه	مدافع
			حقوق انسان
186	رضا	فانی یزدی آمریکا	فعال
			سیاسی
187	منصور	فرهنگ آمریکا	استاد دانشگاه و
			فعال سیاسی
188	ویدا	فرهودی آلمان	شاعر و
			مترجم
189	ایمان	فلاح استرالیا	مرکز
			پژوهشهای حقوقی
190	فریبا	فلاحی	
			پزشک انگلستان
191	بهروز	فولادوند ترکیه	هنرمند -
			نویسنده
192	ناهید	قاجار سوئد	کنشگر
			سیاسی و فعال حقوق کودک
193	کامبیز	قائم مقام آمریکا	فعال
			سیاسی
194	سیاوش	قائنی	فعال

سیاسی	آلمان		
195	ابوالقاسم	قدسی	کنشگر سیاسی
		بلژیک	
196	مجید	قدسی	فعال
سیاسی			فرانسه
197	یدی	قربانی	فعال سیاسی
جمهوریخواه		کانادا	
198	رضا	قریشی	استاد اقتصاد و
فعال سیاسی		آمریکا	
199	کیمیا	قزلباش	فعال حقوق
بشر		آلمان	
200	سرور	قلی پور	فعال حقوق
بشر		آلمان	
201	منوچهر	قنبری	فعال
سیاسی			آمریکا
202	هوشنگ	قهرمانلو	فعال سیاسی
جمهوریخواه		کانادا	
203	علی اصغر	قوامی	
	ایران		
204	فرشین	کاظمی نیا	بیولوژیست - فعال
سیاسی		فرانسه	
205	الهام	کبیری	
مهندس			
ارمنستان			
206	امیرحسین	کریمی	فعال حقوق
بشر		آلمان	
207	رضا	کریمی	کارگر و فعال

سیاسی	سوئد		
208	احمد	کشاورز آلمان	فعال مدنی و حقوق بشری
209	حسین	کشوردوست	کلتی
	فعال ملی - مذهبی	ایران	
210	حسن	کلانتیری	فعال مدنی
211	نیمسا	کمالی	پزشک آلمان
212	ناصر	کنعانی آلمان	استاد پیشین دانشگاه
213	امیر	کوهی	جمهوریخواه
214	روجا	کیا آمریکا	فمنیست، کنشگر اجتماعی
215	کورش	کیان آمریکا	پژوهشگر بازنشسته فنون مهندسی
216	جهانگیر	گلزار	فعال سیاسی
217	منوچهر	گلشن نروژ	کنشگر سیاسی - سندیکا یی
218	لیدا	لوت	معلم بازنشسته
219	کارچان	ماهار	

220	عفت	ماہباز	فعال آلمان	زنان
221	حسین	ماہوتیہا		فعال مدنی کانادا
222	نرگس	مباشری فر آلمان	فعال حقوق بشر	
223	علی	متین دفتری انگلستان	فعال سیاسی	
224	محمد حسن		محقق ایران	معین
225	محمد	محمدی ایران	ملی گرا و جمہوری	خواہ
226	تقی	مختار آمریکا	نویسنده و	روزنامہ نگار
227	پرویز	مختاری آلمان	فعال سیاسی و حقوق بشر	
228	منوچہر	مختاری آلمان	فعال سیاسی	
229	زرین	مرتضائیان کانادا	کنشگر سیاسی	
230	بہروز	مستجاب الدعویہ بلژیک	فعال سیاسی	
231	محسن	مسرت	استاد دانشگاہ و پژوهشگر حقوق بین الملل و صلح آلمان	
232	احمد	مشعوف	متخصص اطفال و فعال حقوق بشر کانادا	
233	محسن	مصدق	فعال ملی	

ایران	گرا		
فعال	مهران	مصطفوی	234
فرانسه			سیاسی
فعال حقوق	مصطفی	مصطفی نیا	235
		آلمان	بشر
مظفرمقدم	سروش		236
			نویسنده
			ترکیه
فعال سیاسی و	کوروش	مظفری	237
		ایران	اجتماعی
فعال	مهدی	معظمی	238
سوسیال دموکرت،	سیاسی و حقوق بشر	آلمان	
مهندس	پویا	مفتاح	239
	معدن با عقاید چپ ایران	ایران	
	ارشاد	مقبل	240
			ایران
فعال حقوق	سعید	مقیسه ای	241
		ایتالیا	بشر
کنشگر	کیوان	ملکی اسکي	242
		آلمان	سیاسی
از فعالان	پروین	ملک	243
		آمریکا	جنبش زنان
آموزگار	زیبا	ملک نیا	244
	- فعال سیاسی	دوبی	
فعال	حسام	ملکی	245
		ایران	دانشجویی
فعال	امیر	ممبینی	246

سیاسی	سوئد		
247	حسین	منتظر حقیقی	فعال
سیاسی		آلمان	
248	حیدر	منصوری	نقاش - فعال
سیاسی		دانمارک	
249	مرضیه	مهدیه	فعال حقوق
بشر		آلمان	
250	همایون	مهمانش	فعال
سیاسی		آلمان	
251	سیروس	میرزایی	پزشک مدافع حقوق
بشر		اتریش	
252	مجید	میوه چی	
ایران			
253	خسرو	میرمالک ثانی	کنشگر
سیاسی		سوئد	
254	کریم	ناصری	فعال
حقوق انسان		ترکیه	
255	حسن	نایب هاشم	مدافع حقوق
بشر		اتریش	
256	بهرام	نظام رعایا	پزشک مغز و اعصاب و تلاشگر راه آزادی و عدالت
		سوئد	
257	نوشین	نظری	پزشک - فعال
سیاسی		آمریکا	
258	فرخ	نعمت پور	نویسنده و
کنشگر سیاسی		نروژ	
259	محمود	نقوی	
فیزیوتراپیست			

آلمان			
260	مهرزاد	نکوروح	فعال سیاسی
مدنی		فرانسه	
261	امیر	نمازی	فعال
سیاسی		سوئد	
262	فرهاد	نوروزی	ملی گرا و
جمهوری خواه		ایران	
263	سیاوش	نوروزی	فعال حقوق
بشر		آلمان	
264	داریوش	نیکجو	
پزشک			
انگلستان			
265	پریسا	نیکونام نظامی	فعال حقوق
بشر		آلمان	
266	سعید	نیکونام نظامی	فعال حقوق
بشر		آلمان	
267	امیر	نیلو	فعال
مدنی		سوئد	
268	تقی	هاشمی	کنشگر
سیاسی		آلمان	
269	احمد	هاشمی	فعال
سیاسی		اتریش	
270	سعید	همایونی	استاد
دانشگاه		کانادا	
271	شکوفه	هنجانی	کنشگر
مدنی		آمریکا	
272	ترانه	هوشیار	کتا بفروشی
ایوان		استرالیا	

273	نگار	واعظ آمریکا	فمنیست -	کنشگر مدنی
274	شیدان	وثیق	کنشگر فرانسه	سیاسی
275	احمد	وحدانی	کنشگر نروژ	سیاسی
276	ژاله	فعال سیاسی	وفا	آلمان
277	حنیف	یزدانی	فعال فرانسه	سیاسی
278	نازی	یزدی	فعال در آمریکا	حوزه انرژی
279	آبیل	یوحنا مارو هلند	کشیش و	پژوهشگر
280	نیلوفر	یوسف نیا ایران	کنشگر فعال	حقوق رنگین کمانی ها
281	میر	یوسفی	فعال ایران	مدنی
282	جمعی از زنان مبارز	کردستان ایران		
283	گروهی از تشکل ها و سازمان های مردم نهاد	ایران		کردستان
284	انجمن توسعه	فرهنگی زاگروس ایران		
285	گروهی از دانش اموختگان علوم اجتماعی	کردستان ایران		
286	جمعی از اعضای تشکل های صنفی	معلمان کردستان		

ایران

- 287 گروهی از اعضای انجمن مطالعات فرهنگی دانشگاه پیام نور کردستان ایران
- 288 جمعی از دانش آموختگان علوم اجتماعی دانشگاه ارومیه ایران
- 289 انجمن دانشجویان شمال خراسان ایران

رزمایش دریایی ایران، چین و روسیه در خلیج عمان



وزارت دفاع چین از رزمایش ایران، چین و روسیه در دریای عمان با عنوان "کمر بند امنیت دریایی ۲۰۲۳" خبر داد.

وزارت دفاع چین با انتشار اطلاعیه‌ای در روز چهارشنبه ۱۵ مارس از رزمایش مشترک این کشور

با ایران و روسیه در دریای عمان خبر داد.

در این اطلاعیه آمده است: «طبق پیمان‌نامه نظامی میان نیروهای مسلح سه کشور ایران، چین، روسیه و سایر کشورها، این رزمایش با عنوان "کمربند امنیت دریایی ۲۰۲۳" در خلیج دریای عمان از امروز ۱۵ تا ۱۹ مارس (۲۴ تا ۲۸ اسفند ماه جاری) برگزار خواهد شد.»

آخرین رزمایش دریایی ایران با مشارکت چین و روسیه در اوایل بهمن ماه سال گذشته در شمال اقیانوس هند با عنوان "رزمایش مرکب کمربند امنیت دریایی ۲۰۲۲" برگزار شد.

نخستین رزمایش دریایی مشترک سه کشور چهار سال پیش به مدت چهار روز در دریای عمان و اقیانوس هند برگزار شده بود.

وزارت دفاع چین بدون اشاره به جزئیات گفت که سایر کشورها نیز در این رزمایش شرکت دارند.

مسکو نیز روز چهارشنبه اعلام کرد که رزمایش‌های دریایی خود با چین و ایران در دریای عرب را با هدف تقویت روابط با پکن و تهران آغاز کرده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، وزارت دفاع روسیه با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که رزمایش سه‌جانبه موسوم به "کمربند امنیتی دریایی ۲۰۲۳" در مجاورت بندر چابهار ایران آغاز شده است.

گفته می‌شود، بخش دریایی این رزمایش روزهای پنجشنبه و جمعه برگزار می‌شود.

این وزارتخانه گفته است که روسیه با ناوچه آدمیرال گورشکوف و یک نفتکش اندازه متوسط در این رزمایش حضور خواهد یافت.

مقامات مسکو می‌گویند، در طول رزمایش دریایی، کشتی‌ها "مانورهای مشترک و شلیک توپخانه در روز و شب" انجام خواهند داد.

ایران، پاکستان، عمان و امارات متحده عربی همگی دارای خطوط ساحلی در امتداد بدنه آبی هستند که در دهانه استراتژیک خلیج فارس قرار دارند.

در بیانیه وزارت دفاع چین آمده است: «این رزمایش به تعمیق همکاری عملی میان نیروی دریایی کشورهای شرکت‌کننده کمک می‌کند... و انرژی مثبت را به صلح و ثبات منطقه تزریق می‌کند».

رزمایش‌های برنامه‌ریزی‌شده برای چهارشنبه تا یکشنبه در بحبوحه تشدید تنش‌ها میان ایالات متحده و چین بر سر طیفی از موضوعات، از جمله امتناع چین از انتقاد به مسکو به دلیل تهاجم این کشور به اوکراین و ادامه حمایت اقتصادی از روسیه برگزار می‌شود.

هفته گذشته، چین میزبان مذاکراتی میان ایران و رقیب اصلی خاورمیانه‌ای‌اش، عربستان سعودی بود که منجر به توافق روز جمعه بین آنها برای بازگرداندن کامل روابط دیپلماتیک پس از هفت سال تنش شد.

میزبانی چین از مذاکرات ایران و عربستان، این کشور را در نقش غیرعادی میانجی در مناقشات منطقه‌ای قرار داد؛ نقشی که به نظر می‌رسد پکن مایل است تحت عنوان "ابتکار امنیت جهانی" رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ در آن سرمایه‌گذاری کند.

شوئه بینگ، فرستاده ویژه چین در امور شاخ آفریقا روز سه‌شنبه ۱۴ مارس (۲۳ اسفند) بر آمادگی چین برای همکاری با کشورهای منطقه برای کمک به توسعه صلح‌آمیز منطقه‌ای و ایجاد جامعه نزدیک‌تر چین و آفریقا با آینده‌ای مشترک برای اجرای این چشم‌انداز" تاکید کرد. خبرگزاری رسمی شین‌هوا این اظهارات را به نقل از وی در سفر به اتیوپی گزارش داد.

در این گزارش شوئه بینگ می‌افزاید، چین با "رقابت ژئوپلیتیکی توسط نیروهای خارجی مخالف است و هیچ تلاشی برای پر کردن به اصطلاح خلاء یا ایجاد بلوک‌های

انحصاری ندارد".

برگرفته از سایت دویچه وله به زبان فارسی

24 اسفندر 1401

روز جهانی زن را با شعار "زن زندگی آزادی" گرامی بداریم.



امسال همراه با زنان آزاده و برابری طلب ایران و جهان ۸ مارس، روز جهانی زن را در شرایطی برگزار می کنیم که بانگ رسای انقلاب "زن زندگی آزادی" از مرزهای ایران فراتر رفته و جهانگیر شده است.

چهل و چهار سال پیش، در روز ۸ مارس، چند هفته پس از روی کار آمدن حکومت زن ستیز اسلامی، زنان آزاده ایرانی، در خیابان های تهران شعار «ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم» را فریاد زدند. اما متأسفانه صدای آنان شنیده نشد و جامعه مردسالار به ندای زنان پاسخ نداد که خیانتی آشکار به حقوق زنان بود!

امروز نسل جدید زنان، پس از قتل مهسا ژینا امینی به بهانه «بد حجابی»، به پا خاسته اند و با شعار «زن زندگی آزادی» صدای دادخواهی، برابری و آزادی پوشش را در سرتاسر جهان طنین افکنده اند و این انقلاب بزرگی در تاریخ مبارزات زنان جهان است.

از دست آوردهای مبارزات خیابانی دختران ایران، همبستگی کشورهای گوناگون با جنبش برابری جویانه زنان ایران در سطح جهانی است. به عنوان یکی از نمونه ها می توان از اخراج نماینده جمهوری اسلامی از کمیسیون زنان سازمان ملل با رای اکثریت مطلق نمایندگان کشورها نام برد.

مردم شریف و آزادیخواه ایران!

حکومت اسلامی ایران برای سرکوب زنان و جوانان بپاخاسته از کشتار، کور کردن، تجاوز، دستگیری و شکنجه هزاران نفر دریغ نکرده است و این روزها با مسموم کردن صد ها دختران دانش آموز، صفحه دیگری از ماهیت زن ستیزی و ضد انسانی خود را به نمایش گذاشته است. این حکومت جنایتکار در واپسین دم حیات ننگین خویش در تلاشی مذبوحانه مانند همتایان داعشی و طالبانی است. رژیم قصد دارد با ایجاد فضای رعب و وحشت، دختران ایران را مرعوب کند تا از مبارزه علیه جانیان حاکم و از حضور در مدرسه و صحنه های اجتماعی و سیاسی دست بکشند! زهی خیال باطل!

ما نهادهای امضا کننده این بیانیه، در سالگرد روز جهانی زن، نام و یاد تمام زنانی را که در یک قرن و نیم گذشته برای آزادی و حقوق برابر زنان ایران مبارزه کرده اند، گرامی می داریم. هم چنین در برابر زنان و دخترانی که در طول ۴۴ سال سلطه حکومت مردسالار اسلامی زندانی و شکنجه شده اند و تعداد زیادی از آنان به قتل رسیده اند، سر تعظیم فرود می آوریم.

ما امیدواریم در پرتو خیزش انقلابی بزرگ “زن زندگی

آزادی"، ۸ مارس امسال شاهد جلوه دیگری از مبارزات وجدان های بیدار در سرتاسر جهان علیه حکومت های زن ستیز حاکم بر ایران و افغانستان باشیم.

ما مدافعان حقوق بشر و برابری خواهان در هر کجای دنیا که باشیم، در روز جهانی زن، یک بار دیگر چهره زشت کودکش و زن ستیز حاکم بر میهنمان را در انظار جهانی افشا خواهیم کرد و همبستگی خود را با فراخوان بزرگ ۵۲ شکل برای پیشبرد اعتراضات در ایران اعلام می کنیم!

ما از همه تشکل های حقوق بشری و نهادهای دموکراتیک می خواهیم که در روز جهانی زن، به طور یکپارچه صدای زندانیان سیاسی- عقیدتی و مردم دربند ایران باشیم.

گرامی باد روز جهانی زن زن زندگی آزادی

شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران
مارس ۲۰۲۳ برابر با اسفند ۱۴۰۱
امضا کنندگان:

- ۱ - انجمن زنان مونترال
- ۲ - انجمن جمهوری خواهان آلمان و هلند
- ۳ - انجمن حقوق بشر و دموکراسی برای ایران - هامبورگ
- ۴ - انجمن فرهنگی ایران و سوئیس - ژنو
- ۵ - بنیاد اسماعیل خویی
- ۶ - نهاد «همه حقوق بشر، برای همه، در ایران»
- ۷ - مادران پارک لاله - دورتموند

- ۸ - حامیان مادران پارک لاله - هامبورگ
- ۹ - حامیان مادران پارک لاله - فرزنو
- ۱۰ - فدراسیون اروپا
- ۱۱ - قانون مدافعان حقوق بشر کردستان
- ۱۲ - مادران صلح مونترال
- ۱۳ - زنان برای آزادی و برابری پایدار
- ۱۴ - کارزار حقوق بشر برای ایران
- ۱۵ - کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی - پاریس
- ۱۶ - کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران - هجا
- ۱۷ - کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران - شیکاگو
- ۱۸ - کمیته نه به جمهوری اسلامی - اورنج کانتی کالیفرنیا
- ۱۹ - کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی
- ۲۰ - همبستگی ملی ایرانیان فرزنو - کالیفرنیا
- ۲۱ - همبستگی جمهوری خواهان ایران (هجا) - مونترال
- ۲۲ - همبستگی برای حقوق بشر در ایران - کلگری
- ۲۳ - جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران
- ۲۴ - هماهنگی ایرانیان جمهوری خواه و لایبک
- ۲۵ - شورای انقلابی دادخواهان
- ۲۶ - همبستگی ایرانیان تورلاک و مودستو - کالیفرنیا